

رسول پویان

تندور دسایس

وطن در آتش بیداد پاکستان می سوزد
نه تنها مرز تورخم ریشه عمران می سوزد
تمام قریه و شهر وطن در جنگ ویرانگر
به طرح فوج ظالم بی سروسامان می سوزد
دل شرق از شرار فتنه بد خیم آس آس
چو سواس سراطون در تن درمان می سوزد
امید امنیت را طالب مزدور دزدید است
به زیر تیغ دزدان رگ رگ شریان می سوزد
ز افراط و تعصب خانه دین می شود ویران
به بمب انتحاری مسجد و قرآن می سوزد
ز بس تار دسایس می تند جولای زهر آگین
پر پرواز جنبش در دل جریان می سوزد
تفکر محو وحشت می شود از کین افراطی
تب جهل و شرارت در دل حزیان می سوزد
نشاط شوق و مستی در سر افراط می میرد
تبسم بی شگفتن بر لب انسان می سوزد
وطن را مرکز افراطیت کردند از هر سو
دل افرشتگان در کوره شیطان می سوزد
نه تنها جسم و جان عزت و آزادگی سوزد
ز افراط و ستم عشق دل و ارمان می سوزد
اگر هندی بسازد بند و انهار و سرک بر ما
به بمب انتحاری هستی و عنوان می سوزد
میان دوست و دشمن آنقدر توفیر می باشد
یکی آباد می سازد؛ یکی بنیان می سوزد

فريب و حيله باشد ادعاى صلح پاكستان
به تندور دسايس وعده و پيمان مى سوزد
ز پاكستان نباشد دستبردار چين و امريكا
فقط در جنگ قدرتها ديوار مان مى سوزد

2016/6/17